

The Review and Analysis of Social Class Structure of Mashhad at the Dawn of the Constitutional Revolution (Based on Consulates' Documents)



Masoumeh Goodarzi Boroojerdi¹; Mina Moeini²

Abstract

Just before the occurrence of constitutional revolution some riots and crises began in Mashhad. The events made the city the central place for opponents of tyranny, though at the same time deep oppositions could be seen against the constitutional movement. Mashhad's different social classes consisted of both opposing and advocating groups at the dawn of the constitutional revolution. Strong bonds with Russia or England could be seen as well, making the groups stay against each other. Considering the mentioned conditions, the study tried to see of what social classes Mashhad was composed at the beginning of the constitutional revolution, what political tendencies and affiliations they had, and how the classes affected the sociopolitical structure of Mashhad. Taking a descriptive-analytical method and using library resources and documents pertaining to the consulates, the study tried to find an appropriate answer for the mentioned questions. The results obtained from exploration of related documents on the issue showed that due to political and ethnic-tribal affiliations and aristocratic relationships, the dominant tendency of Mashhad's social classes was reactionary and against the constitution. The situation caused Mashhad's failure to be just like Tehran, Tabriz, and Isfahan in being outstanding and pioneering in the constitutional revolution.

Keywords: Social Class, Mashhad, Consulates' Documents, Russia, England.

1. PhD, Department of History and Iranian Studies, Faculty of Literature and Humanities, Isfahan University, Isfahan, Iran; mitra_goodarzi52@yahoo.com
2. PhD Candidate, Department of History and Iranian Studies, Faculty of Literature and Humanities, Isfahan University, Isfahan, Iran; mnmoeini89@gmail.com. Corresponding author. Email: mnmoeini89@gmail.com



بازانگاری و تحلیل ساختار طبقات اجتماعی مشهد در آستانه انقلاب مشروطیت (بر اساس اسناد کنسولی)

معصومه گودرزی بروجردی؛ مینا معینی^۲

چکیده

پیش از انقلاب مشروطه، شورش‌ها و بحران‌هایی در شهر مشهد روی داد که این شهر را به کانونی علیه استبداد تبدیل کرد، هرچند مخالفت‌های عمیقی با جنبش مشروطه نیز در این شهر وجود داشت. طبقات اجتماعی شهر مشهد در آستانه انقلاب مشروطیت نیز ترکیبی از نیروهای مخالف و موافق بودند. همچنین وابستگی‌های عمیقی با روسیه یا انگلیس در بین آنان به چشم می‌خورد که آن‌ها را در روی یکدیگر قرار می‌داد. پرسش اصلی پژوهش حاضر بر این محور قرار دارد که شهر مشهد در آستانه انقلاب مشروطه متشکل از چه طبقات اجتماعی و با چه گرایش‌ها و وابستگی‌های سیاسی بود و طبقات چه تأثیری بر ساختار سیاسی و اجتماعی شهر مشهد در این مقطع زمانی گذاشتند؟ این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از اسناد کنسولی و منابع کتابخانه‌ای، درصدد پاسخگویی به سؤالات فوق است. یافته‌ها بر اساس بررسی اسنادی موضوع نشان می‌دهد که ترکیب اکثر طبقات اجتماعی مشهد به خاطر وابستگی‌های سیاسی و قومی-قبیله‌ای و نسبت‌های اشرافی، ارتجاعی و به سمت مخالفت با جریان مشروطه بود. همین امر موجب شد مشهد نتواند در انقلاب مشروطه مانند تهران، تبریز و اصفهان مطرح و سرنوشت‌ساز گردد.

واژگان کلیدی: طبقات اجتماعی، مشهد، اسناد کنسولی، روسیه، انگلیس

۱. دانش‌آموخته دکتری، گروه تاریخ و ایران‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، ایران
mitra_goodarzi52@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری، گروه تاریخ و ایران‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)
mmoeini89@gmail.com

مقدمه

انقلاب مشروطه (۱۳۲۴-۱۳۲۳ ق. / ۱۹۰۵-۱۹۰۶ م.) رویدادی سیاسی، اجتماعی و رخدادی فراگیر بود که دامنه آن شهرهایی همچون تهران، تبریز، اصفهان و رشت را فراگرفت. در واقع، این انقلاب ائتلافی از گروه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی بود و تقریباً تمام طبقات اجتماعی را درگیر ساخت که البته سهم هریک در حوادث و رخدادها متفاوت و متغیر بود. با این حال، از میان شهرهای مهم و پرجمعیت ایران، تعداد کمی به کانون مبارزات تبدیل شدند. برخی شهرها یا از صف اول مبارزه بازماندند یا دیرتر از شهرهای دیگر در این زمینه به فعال جدی و مؤثر پرداختند. مشهد از جمله شهرهایی بود که دیرتر از کانون‌های اول مشروطه خواهی، به صحنه انقلاب وارد شد، هرچند که میان مورخین و پژوهشگران در مورد تعیین سهم مشهد در انقلاب مشروطه اختلاف نظرهایی دیده می‌شود. برخی سهم مشهد را در انقلاب مشروطه پررنگ دانسته‌اند و از تحولات این شهر در آستانه انقلاب، به عنوان جرقه‌ای برای جنبش مشروطه یاد کرده‌اند، اما گروهی دیگر بر این باورند که مشهد در انقلاب مشروطه نقش بسزا و مؤثری نداشته و هیچ‌وقت نتوانست به صف اول مشروطه خواهی بپیوندد. همین گروه نیز به دو دسته تقسیم شده و در مورد علت انفعال مشهد در انقلاب اختلاف نظر دارند. برخی از این پژوهشگران فضای مذهبی و تسلط روحانیون و به دنبال آن عدم استقبال مردم را علت این امر بیان داشته‌اند و گروهی دیگر حضور روس‌ها در مشهد و فعالیت‌ها و دخالت‌های آنان در همه امور را علت انزوای مشروطه خواهان مشهد دانسته‌اند. به هر حال، سهم مشهد در جریان انقلاب مشروطه و پیروزی‌های آن و همچنین جو ارتجاعی مشهد، حضور نیروهای خارجی، فضای مذهبی و سنتی قابل تأمل است. بی‌شک، طبقات اجتماعی مشهد سهم بسزایی در عملکرد این شهر در انقلاب مشروطه داشتند. در واقع، گمان می‌رود که ساختار طبقات اجتماعی در این شهر، آن‌چنان تأثیرگذار بود که شاید حتی بیشتر از سایر عوامل، مشهد را در جناح بندی‌های انقلاب مشروطه هدایت کرد. بنابراین، پژوهش حاضر در تلاش است تا با بررسی گرایش‌ها و وابستگی‌های مختلف طبقات اجتماعی مشهد، تأثیر آن را بر عملکرد این شهر در آستانه انقلاب مشروطه بررسی نماید.

با توجه به اینکه مقالات و پژوهش‌هایی در خصوص مشهد و سهم آن در انقلاب مشروطه نگارش یافته و هریک به نوعی عواملی را شاخص و دست‌مایه پژوهش خود قرار داده‌اند، اما نقش طبقات کمتر مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است. به عنوان نمونه، جلالی در مقاله

«نهضت مشروطه و سرنوشت سه رویکرد سیاسی علمای مشهد» به بررسی نقش و عملکرد این طبقه و جناح‌بندی‌های آنان در انقلاب پرداخته است، اما گرایش‌های سیاسی، خارجی، قومی و اشرافی این طیف که می‌توانست در جناح‌بندی آن‌ها نقش مهمی داشته باشد مغفول مانده است. حمید احمدی و ملیحه خوش‌بین در مقاله «مشروطیت در مشهد: زمینه‌ها، فرایندها و سیاست‌های روسیه» نیز به‌طور مختصر اشاره‌ای به نقش روحانیون مشهد در انقلاب و همچنین تلاش‌های صورت گرفته در تأسیس انجمن‌های مشروطه‌خواه داشته است، اما جایگاه اثرگذار هیچ‌یک از طبقات مورد واکاوی قرار نگرفته است.

برای دست یافتن به داده‌هایی نظیر وابستگی‌های قومی، اشرافی، سیاسی و همچنین رابطه طبقات با قدرت‌های خارجی، اسناد کنسولی بهترین منبعی است که چنین اطلاعاتی را در اختیار قرار می‌دهد. بنابراین تلاش شده است که پژوهش حاضر بر مبنای این اسناد، وضعیت و ساختار طبقات را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. اسناد کنسولی گزارش‌های روزانه، ماهانه و سالانه کنسول‌های انگلیس و نمایندگی‌های آن‌ها به شکل محرمانه یا اداری در ایران است. این گزارش‌ها دربرگیرنده موضوعات اقتصادی، نظامی و اجتماعی است و با هدف برنامه‌ریزی‌های طولانی‌مدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت کشور مطبوع و نظارت بالادستی‌ها تولید می‌شد. باید اشاره کرد که برخی اسناد کنسولی در مجموعه چهارده جلدی Iran Political Diaries موجود است که برحسب سال‌های اشاره‌شده استفاده می‌شود. اسناد مورد استفاده برای این پژوهش با شناسه 111/1906/371FO، شامل ۲۳ صفحه است که موضوعات مختلفی همچون لیست قبایل خراسان، طبقات اجتماعی مشهد و افراد شاخص آن، حکام و مقامات دولتی مناطق خواف و تربت حیدریه و اطلاعاتی در مورد ارتش خراسان را در برمی‌گیرد.^۱

مشروطه در مشهد

در فاصله ۱۳۲۳-۱۳۲۴ق. یک جنبش اعتراضی بزرگ علیه دولت در اکثر شهرهای اصلی کشور رخ داد. این جنبش در نهایت به ایجاد یک نظام مشروطه متمایل شد تا تغییراتی در کنترل سیاسی کشور ایجاد کند. اگرچه عنوان مشروطه برای اکثر مردمی که در جنبش شرکت می‌کردند معنای خاصی نداشت، اما این مفهوم توسط گروه‌های اجتماعی فعال که در پی افزایش آگاهی سیاسی-اجتماعی مردم بودند، مورد استفاده قرار گرفت، اما در این زمان مشهد با مشکلات

۱. مجموعه اسناد کنسولی برای نگارش این پژوهش، توسط دکتر مرتضی نورائی، استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، در اختیار نویسندگان قرار گرفته است. به پاس این همکاری، از ایشان کمال تشکر و قدردانی را می‌نمایم.

مهم‌تری از جمله کمبود نان و سایر امور داخلی شهر درگیر بود. (Nouraei, 2000: 252) بنابراین مشهد دیرتر از شهرهایی همچون تهران، تبریز، اصفهان و رشت به صف مشروطه خواهان پیوست. در سرمقاله اولین شماره روزنامه خراسان پس از اشاره به شهرهایی که به تدریج به صف مشروطه خواهان پیوستند آمده است: «[...] در این موقع ملت خراسان نیز که تاکنون به واسطه محذورات و موانعی چند مانند غنچه با خون دل خاموش در عین هیجان آرام و در منتهای جوش و خروش ساکت بودند [...] بالاخره مجاهدین خراسان که به واسطه تأخیر در اجرای احکام حجج اسلام از سایر برادران دینی شرمسار بودند پیمانانه صبرشان از خون دل لبریز گردیده در اجرای مقاصد ملیه به استعمال قوای ناریه مصمم شدند». (خراسان، س ۱، ش ۱: ۲-۱)

در مورد شهر مشهد می‌توان بیان داشت که عواملی همچون نفوذ و دخالت قدرت‌های بیگانه (روسیه و انگلیس) در ایالت خراسان و رقابت آن‌ها بر سر اراضی حاصلخیز این منطقه وقوع بحران‌های اجتماعی و اقتصادی همچون ظلم و تعدی آصف الدوله نظیر احتکار گندم و به دنبال آن نارضایتی مردم مشهد ملخ خوردگی محصولات کشاورزی مردم و فروش دختران قوچانی به ترکمن‌ها برای پرداخت مالیات به شجاع الدوله حاکم قوچان (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۵۴؛ ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۴۶: ۳۰/۱؛ کسروی، ۱۳۸۳: ۲۲۷) مردم را تا حد زیادی مشغول و مانع ورود به موقع آنان به صف مشروطه خواهان شد. هرچند به باور برخی، این حوادث که از آن به عنوان «انقلاب مشهد» یا «جنش خراسان» یاد شده، به نوعی محرک و زمینه‌ساز بخشی از اصلاحات سیاسی، حقوقی و اجتماعی ایران شد که در پایان به استقرار مشروطه منتهی گردید. (نجمی، ۱۳۷۷: ۷۵) از سوی دیگر فضای مستبدانه مشهد و گروه‌هایی که به استبداد تمایل داشتند، از دیگر دلایلی بود که سبب شد مشهد نسبت به مناطق اصلی مشروطه، با تأخیر وارد جنبش شود. به غیر از حاکمان مستبد، گروهی به نام سیاه‌جامگان که متمایل به جناح ارتجاع بودند، با مشروطه مخالف و مانع اجتماع و سخنرانی مشروطه خواهان می‌شدند و بسیاری از مشروطه خواهان و مدیران روزنامه‌ها را مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند. (گلبن، ۱۳۸۷: ۵۸۸)

در این بین، یکی از مهم‌ترین دلایل ورود شهر مشهد به جناح مخالف مشروطه، وضعیت طبقات اجتماعی مشهد و انفعال آنان در مقابل سیر تحولات بود که از عوامل مختلفی ناشی می‌شد. منابع به‌طور مختصر و پراکنده اشاره‌ای به طبقات اجتماعی و موضع‌گیری آن‌ها در مقابل مشروطه یا مخالفان مشروطه داشته‌اند، اما اسناد کنسولی تصویری دقیق‌تر از این طبقات

در اختیار قرار داده است که با بررسی آن می‌توان تحلیلی واضح‌تر از موضع‌گیری این طبقات در مقابل مشروطه و چرایی ارتجاع حداکثری شهر مشهد یافت.

طبقه حاکم و مقامات دولتی

در اسناد کنسولی پس از اطلاعاتی که در مورد ایلات و قبایل خراسان و شهر مشهد آمده است، به سه طبقه اجتماعی مهم این شهر و مهم‌ترین و شاخص‌ترین اعضای آن اشاره شده است. حکام و مقامات دولتی شهر، اولین طبقه‌ای محسوب می‌شوند که در اسناد به آن پرداخته شده است. در آستانه انقلاب مشروطه این طبقه که شامل حکام، مقامات، خان‌های مناطق و مأمورین زیردست آنان می‌شد با نسبت‌های قومی، اشرافی و وابستگی‌هایی که به دولت‌های روسیه و انگلیس داشتند، خود را بیش از پیش به جناح ارتجاع وابسته ساخته بودند و مقابل هرگونه حرکت مردمی که بیم آن می‌رفت اساس حکومت آنان در مشهد و اساس حکومت قاجار در سطح کشور را با خطر روبرو سازد، ایستادگی می‌کردند.

در قسمت اول این بخش، فرمانداری کل خراسان و کارمندان آن معرفی شده است. بر این اساس، آصف‌الدوله، فرماندار کل خراسان و یک کرد آنالو بود که رهبری ۵۵ هزار خانوار قبیله شاهسون را به عهده داشت. پدرش حسین خان نظام‌الدوله رئیس توپخانه بود. هنگام تنظیم این اسناد در ۱۳۲۳ق. از آصف‌الدوله به عنوان یک مرد ۶۵ ساله فوق‌العاده توانمند که رابطه بسیار دوستانه‌ای با کنسولگری بریتانیا داشت، نام برده شده است. دستیار حاکم یا نایب‌الایاله، نصیرخان شهاب‌الملک، پسر آصف‌الدوله بود که با ۳۳ سال سن، زبان فرانسوی می‌دانست، اما معتاد به تریاک و دائم‌الخمر بود. میرزا فرج‌الله بنان‌السلطنه وزیر آصف‌الدوله بود. او داماد آصف‌الدوله و پدری زمین‌دار داشت. میرزا فرج‌الله شخصی همیشه بیمار و معتاد به تریاک معرفی شده است. شخصی به نام شفیع‌خان، وزیر مالیه حکومت مشهد معرفی شده که با بنان‌السلطنه نسبت خویشاوندی داشت. میرزا بکه منشی‌الملک به عنوان منشی و شیخ احمد به عنوان عضو انجمن، افراد دیگری هستند که در این لیست به آنان اشاره شده است. (اسناد کنسولی انگلیس، 8: 111/1906/371FO) بنابراین به نظر می‌رسد که فساد، شراب‌خواری، وابستگی‌های طایفه‌ای-قبیله‌ای و وابستگی به انگلیس از جمله ویژگی‌هایی بوده که برخی از اعضای فرمانداری کل خراسان دارا بوده‌اند. مقامات دولتی منصوب شده از تهران زیرمجموعه طبقه حاکم معرفی شده‌اند. بر اساس اطلاعات مندرج در این اسناد، ویژگی‌ها و وابستگی‌های

این مقامات به قابل تفکیک و ارزیابی است. (جدول ۱)

جدول ۱: فهرست مقامات دولتی منصوب شده از تهران برای شهر مشهد، مشخصات و وابستگی های

آنان (اسناد کنسولی انگلیس، 9-10: 111/1906/371FO)

ردیف	نام	سن	منصب	ویژگی ها و اقدامات	وابستگی قومی	وابستگی های اشرافی و درباری	وابستگی به دولت های خارجی	نسب و میزان نفوذ
۱	میرزا علی خان خبیر السلطنه	۳۵	مدیرکل تلگراف های خراسان و سیستان	انجام خدمات برای دولت ایران در هرات- استرآباد و غیره	از تیره انصاری		زیر نفوذ روسیه و دریافت هدیه از آن ها	پسر میرزا محسن خان معاون دیوان در تهران- پدر بزرگش میرزا پیشکار و وزیر حسام السلطنه
۲	میرزا یوسف خان ملک	۳۲	متصدی اصلی گذرنامه خراسان و سیستان	آشنایی به زبان فرانسوی		برادرزاده رکن الدوله	دوست روس ها و انگلیسی ها	سید حسینی
۳	میرزا محمد قلی خان منتخب الملک	۶۵	کارگزار مشهد	کارگزار بجنورد- باتجربه اما فاقد توانایی - علاقمند به دریافت هدیه	قبیله نوری مازندران		دریافت مدال از روس ها به عنوان پاداش خدماتش به آنان در بجنورد	پسر میرزا محمدرضا خان کارگزار سابق بوشهر
۴	میرزا تقی خان معتضد الممالک	۲۵	دستیار اول کارگزار	جوانی باهوش- آشنایی به زبان فرانسه		مادرش خواهر محترم السلطنه رئیس دفتر وزیر امور خارجه		پسر منتخب الملک کارگزار- برادرش معضد الملک منشی مکاتبات در شعبه مکاتبات روسیه وزارت خارجه
۵	میرزا سید حسین	۴۰	دستیار دوم کارگزار	خدمت در این منصب به مدت طولانی				سید بود

سال اول، شماره یک، دوره جدید، بهار و تابستان ۱۴۰۱

۶	حاج میرزا ابراهیم رکن الدوله	۶۹	رئیس دیوان خانه تجارتی				پسر حاج سید حسین تاجر در تبریز سید بود
۷	محمد حسین خان سالار مکرم	۵۰	فرمانده کل ارتش ایرانی خراسان	دارای رتبه امیر، تومان، قمارباز و مشروب خور و یک شخص ضعیف	قبیله افشار ترک	پدرش فراش باشی ناصرالدین شاه، مادرش شاهزاده قاجاری، ازدواج با دختر رکن الدوله	پسر محمد حسین خان حاجب الدوله فراش باشی دوست روس ها و انگلیس ها
۸	میرزا فتح الله خان فتح الدوله	۶۸	فرمانده توپخانه خراسان			پسرش با دختر آصف الدوله حاکم کل خراسان ازدواج کرد	پسر میرزا فضل الله خان
۹	سرتیپ عباسقلی خان موتمن نظام	۶۸	مسئول انبار زرادخانه در مشهد				پسر میرزا محمد حسین خان
۱۰	سرتیپ علی خان منصور السلطنه	۴۰	فرمانده گردان ۸۰۰ نفره افشار	دارای مقام امیر پنجه			پسر حاج اسدالله خان، از نوادگان سرهنگ سرخوش خان که محمدشاه را تا هرات همراهی کرد
۱۱	سرتیپ عبدالحسین خان مظفر نظام	۵۰	بیگلر بیگی و مسئول گردان تهرانی و ۸۰۰ نفره نایب السلطنه	دارای مقام امیر پنجه - انجام اقدامات اصلاحی در شهر، مورد توجه آصف الدوله	قبیله نوری مازندران	دوست بزرگ انگلیسی ها و عدم تمایل به روس ها	پسر عبدالوهاب مستوفی از تهران

۱۲	میرزا محمد رضا خان آصف دفتر	۳۵	حسابدار نظامی خراسان	ایجاد مقررات برای گروه سربازان در خراسان - یک افسر بسیار باهوش	دوست بزرگ انگلیسی‌ها	پسر میرزا محمد علی خان وزیر سابق کرمان
----	-----------------------------	----	----------------------	--	----------------------	--

جدول فوق، فهرست مقامات و شرح پست‌های دوازده‌گانه‌ای است که در شهر مشهد به خدمت مشغول بودند. بر این اساس، دوازده مقام دولتی و وظایف و وابستگی‌های آن‌ها تشریح شده است. بعضی از این مقامات در نقاط مختلف، خدماتی برای دولت ایران انجام دادند و برخی نیز کارهای عام‌المنفعه چندی در مشهد به انجام رساندند. وابستگی به قوم و قبیله‌ای خاص و وابستگی‌های اشرافی با درباریان، از دیگر ویژگی‌هایی است که برای برخی از این مقامات برشمرده شده است. قوم و قبیله پشتوانه قدرتمندی برای آنان محسوب می‌شد که در صورت لزوم می‌توانستند از توان نظامی آن برای دست یافتن به اهداف خویش استفاده کنند و وابستگی به دربار قاجار، ضمن صاحب قدرت و نفوذ ساختن، آنان را وادار می‌ساخت که حافظ منافع دولت قاجاری در شهر مشهد و ایالت خراسان باشند و در برابر هر تغییر که نفوذ قاجارها را به خطر می‌انداخت، مقابله کنند. از دوازده نفر مذکور، ۶ نفر وابسته به دولت‌های خارجی (روس یا انگلیس یا هردوی آنان) بودند. از سوی دیگر پدران، برادران یا فرزندان بیش از نیمی از این مقامات، در دربار و دولت قاجاری شغل و منصب داشتند که این امر هم باعث نفوذ و قدرت آنان در دولت قاجاری می‌شد و هرچه بیشتر آنان را وابسته به دربار و حکومت مرکزی می‌ساخت. سیادت برخی از آنان نیز باعث افزایش نفوذ در بین توده مردم و سایر طبقات اجتماعی می‌شد.

خان‌های مشهد گروه دیگری هستند که فهرست آنان در این بخش آمده است. این اسناد نام ۱۸ تن از خان‌های نواحی مشهد را آورده و شرحی مختصر از آن‌ها ارائه داده است.

۱. امیر اسدالله خان شوکت‌الدوله رئیس قبیله تیموری با دو هزار خانوار بود. وی چهارمین نسل از نوروزخان بود که برادر جوانش، کلیچ‌خان، از هرات به خواف آمد و همراه او برخی از خانواده‌های تیموری نیز به مشهد آمدند. بعد از او، میر عطاالله خان، پدر شوکت‌الدوله، بخش باقی‌مانده تیموری‌ها را به خراسان آورد. امیر اسدالله خان روابط دوستانه‌ای با روسیه و انگلیس داشت. (اسناد کنسولی انگلیس، 11: 1906/371FO: 11)

۲. امیر حسن خان نصرت‌الملک پسر نصرت‌الملک و از اخلاف مستقیم امیر کلیچ‌خان و از دوستان بزرگ و نزدیک انگلیسی‌ها بود. این نزدیکی سبب شد تا او به تحریک روس‌ها،

توسط آصف‌الدوله از مشهد تبعید شود. به همین جهت تمایلی به همکاری با روس‌ها نداشت و به انگلیسی‌ها در تمام جوانب کمک می‌کرد. نصرت‌الملک پسر در هنگام تنظیم این اسناد، یک فرد زیر سن قانونی معرفی شده که خانواده تیموری‌اش، با جمعیت ۵۵۰۰ نفر، موقتاً تحت مسئولیت شوکت‌الدوله قرار گرفته بود. مالکیت زمین و مستغلاتش نیز زیر نظر دایی‌اش، جلال‌السلطان، اداره می‌شد.

۳. شاهزاده حسن خان منتصرالملک^۱ از نوادگان فتحعلی‌شاه و پسر جعفرقلی میرزا بود. او مالک زمینی بزرگ بود و کاروانسرای در کالای شاهزاده، نیمه‌راه بین مشهد و تربت‌حیدریه، ساخت که حدود ۳۵۰۰۰ تومان در ساخت آن هزینه شد. او از دولت ایران نیز حقوق دریافت می‌کرد. (اسناد کنسولی انگلیس، 13: 111/1906/371FO)

۴. اسماعیل خان شجاع‌الملک از طایفه هزاره بود که مدتی هم ریاست سواره‌های هزاره را بر عهده داشت. پدرش از هرات به همراه حسام‌السلطنه به خراسان آمد.

۵. محمدرضا خان شجاع‌الملک پسر یوسف خان هزاره و جوان‌ترین برادر اسماعیل خان هزاره بود. شجاع‌الملک در ۱۳۲۳ق. حکومت باخرز را بر عهده داشت و رئیس ۵۰۰ سرباز هزاره بود. او به شدت تحت نفوذ روسیه بود، اما روابط غیردوستانه‌ای نیز با بریتانیایی‌ها نداشت.

۶. شاهزاده خان بابا میرزا اعزازالسلطان، فرزند حاجی مهدی قلی میرزا حسام‌الملک و از نوادگان فتحعلی‌شاه و خویشاوند شاهزاده حسن خان بود. پدر او مدتی متولی حرم بود. اعزازالسلطان از زمین‌داران بزرگ بشمار می‌آمد که از دولت ایران حقوق و مواجب دریافت می‌کرد.

۷. مهدی خان جلیل‌الملک حاکم کلات، فرزند حاج عبدالفتاح خان بود که پدرش از تهران به مشهد سفر و در این شهر اقامت یافت. او زمین‌دار بزرگی در ناحیه مشهد محسوب می‌شد.

۸. میرزا علی محمدخان مؤتمن‌السلطنه فرزند میرزا محمدرضا خان مستشارالملک بود. مستشارالملک برای مدتی به‌عنوان وزیر خراسان به‌کارگماشته شد. او زمین‌ها و مستغلات زیادی به ارث گذاشت، اما پسرهایش آن‌ها را فروختند. مؤتمن‌السلطنه چهار برادر داشت که یکی از آن‌ها مؤتمن‌الممالک کارگزار سابق تربت حیدریه بود. (اسناد کنسولی انگلیس، 13: 111/1906/371FO)

۹. میرزا عبدالله خان مستشارالسلطنه برادرزاده مرحوم مستشارالملک و فرزند میرزا علی‌رضا

۱. او اولین شهردار مشهد و بانی بیمارستان منتصریه بود.

خان بود. پدر او نیز مدتی به عنوان حسابدار خراسان مشغول به کار شد. مستشارالسلطنه دارای زمین و مستغلات قابل توجهی بود. شوکت الدوله رئیس قبیله تیموری، داماد مستشارالسلطنه بود.

۱۰. محمد امیر خان فرزند وزیر یار محمد خان بود. پدر او در زمان حسام السلطنه از هرات به مشهد آمد. محمد امیر خان از دولت ایران حقوق دریافت می کرد.

۱۱. محمد یوسف خان، پسر عباس خان ریحان، فرماندار ناحیه سرخس ایران بود. پدر او نیز در زمان حسام السلطنه از هرات به ایران نقل مکان کرد. او نیز حقوق بگیر دولت ایران بود.

۱۲. میرزا مسعود خان، فرزند مستوفی محمد حسین خان، معروف به بکه بود. او مدتی پست وزیر خراسان را داشت و به عنوان حاکم خواف و باخرز منصوب شد. میرزا مسعود خان در ناحیه مشهد دارای زمین و مستغلات بود.

۱۳. میرزا محمد حسین خان محتشم الممالک از دولت ایران حقوق دریافت می کرد و زمین دار بود. پدرش مستوفی کابل بود که ۳۰ سال قبل به مشهد سفر و در این شهر ساکن شد. (اسناد کنسولی انگلیس، ۱۱۱/۱۹۰۶/FO:۳۷۱:۱۳)

۱۴. کریم داد خان معزالملک پسر محمد حسین خان گُرد، حاکم تربت حیدریه بود. او در نواحی مشهد و تربت حیدریه زمین و مستغلات داشت و مدتی خدمتکار سهام الدوله، سردار کرد در بیرجند بود. او پسر بیست ساله ای داشت که تحصیل کرده روسیه بود.

۱۵. یلانتوش خان پسر بهبود خان کلاتی، مدتی به حکومت کلات منصوب شد. به گزارش اسنادی که در ۱۳۲۳ق. تنظیم شده بود، یلانتوش خان شخصی زمین دار، اما فاقد شغل معرفی گردیده که از دولت ایران حقوق دریافت می کرد. (اسناد کنسولی انگلیس، ۱۱۱/۱۹۰۶/FO:۳۷۱:۱۳)

۱۶. عبدالقیاص خان فرزند عبدالوحد خان هراتی، برای مدتی مستشار دادگاه عدالت در خراسان بود. پدرش در زمان حسام السلطنه از هرات به خراسان آمد. او حقوق بگیر دولت ایران بود.

۱۷. میرزا نصرالله خان شوکت السلطنه فرزند میردرویش علی خان سرتیپ، برای مدتی طولانی حاکم خواف بود. او از خویشاوندان شوکت الدوله نیز محسوب می شد. او حقوق بگیر دولت ایران و زمین دار بود.

۱۸. الله یار خان فرزند نصرالله خان جامی، در زمره زمین داران بزرگ بود و برای مدتی طولانی

حکومت فریمان و ریاست ۱۰۰ سوار جامی را بر عهده داشت. پدر او نیز رئیس ۵۰۰ سوار جامی بود. (اسناد کنسولی انگلیس، ۳۷۱FO/۱۹۰۶/۱۱۱: ۱۴-۱۱) بر اساس اطلاعات فوق، وابستگی‌های قومی، خارجی، سیاسی و اشرافی خان‌های مشهد قابل بررسی است. (جدول ۲)

جدول ۲: فهرست خان‌های مشهد، مشخصات و وابستگی‌های آنان (مأخذ: نگارندگان)

ردیف	اسم	سن	وابستگی قومی	وابستگی به دولت‌های خارجی	وابستگی‌های اشرافی و درباری	زمین‌دار	حقوق بگیر دولت ایران
۱	امیر اسدالله خان شوکت الدوله	۴۵	*	*			
۲	امیر حسن خان نصرت‌الملک	۵	*			*	*
۳	شاهزاده حسن خان منتصرالملک	۵۰			*	*	*
۴	اسماعیل خان شجاع‌الملک	۷۰	*				
۵	محمد رضا خان شجاع‌الملک	۴۵	*	*			
۶	خان بابا میرزا اعزاز السلطان	۲۲			*	*	*
۷	مهدی خان جلیل‌الملک	۴۵				*	
۸	میرزا علی محمد خان موتمن السلطنه	۵۰			*		
۹	میرزا عبدالله خان مستشار السلطنه	۵۵	*		*	*	
۱۰	محمد امیر خان	۶۰					*
۱۱	محمد یوسف خان	۶۰					*
۱۲	میرزا مسعود خان	۴۵			*	*	

۱۳	میرزا محمد حسین خان محتشم الممالک	۳۰	*	*	
۱۴	کریم داد خان معزز الملک	۵۵	*	*	
۱۵	یلانتوش خان	۶۰	*	*	
۱۶	عبد القیاص خان	۳۰	*	*	
۱۷	میرزا نصرالله خان شوکت السلطنه	۳۵	*	*	*
۱۸	الله یار خان	۵۰	*	*	

بر اساس اطلاعات مذکور، بسیاری از خان‌ها به قوم و قبیله‌ای وابسته و رهبری قوم یا سواره و سربازان آن را بر عهده داشتند همچون اسدالله خان شوکت الدوله که رئیس قبیله تیموری با دو هزار خانوار بود. خان‌ها نسبت به مقامات دولتی، وابستگی کمتری به دولت‌های خارجی داشتند. امیر اسدالله خان شوکت الدوله و محمدرضا خان شجاع الملک تنها خان‌هایی بودند که ارتباط آن‌ها با روسیه و انگلیس ثبت شده است. تعداد زیادی از این خان‌ها ملاک و زمین‌دار و حقوق‌بگیر دولت ایران بودند. پس وابستگی عمیقی با دولت مرکزی داشتند. از سوی دیگر، خویشاوندی و ارتباط آنان با اشراف و دربار قاجار، این گروه را هرچه بیشتر به حکومت قاجاری مرتبط می‌ساخت.

علماء، مجتهدین و متصدیان حرم مطهر رضوی

شهر مشهد به دلیل وجود بارگاه حضرت امام رضا (ع) از دیرباز شهری مذهبی و مقدس به شمار می‌رفت و به همین دلیل حضور علما و مجتهدین در این شهر پررنگ‌تر از سایر شهرهای ایران بود. از سوی دیگر، وجود حرم مطهر رضوی، طبقه‌ای متشکل از متولیان و گردانندگان حرم در مشهد ایجاد نموده بود که خط فکری و سیاسی آنان می‌توانست در ورود شهر مشهد به سمت ارتجاع یا مشروطیت مؤثر باشد. تسلط علما و روحانیون بر مشهد آن‌چنان بود که کتاب آبی در این رابطه چنین گزارش داده است: «این تسلط علمائی در نفوس و قلوب کلیه طبقات ایرانیان که مانع از ترقی آنان است حصن حصینش در مشهد بنا شده است و می‌توان گفت این‌گونه نفوذ و قوه در طهران وجود ندارد». (کتاب آبی، ۱۳۶۳: ۳۴/۱) رده‌های بالای

طبقه مذهبی به عنوان مدافعان اصلی قوانین و احکام مقدس عمل می‌کردند. آنان به نحوی در هر شورش علیه کسی که به چنین قوانینی توهین می‌کرد، دست داشتند. خصوصاً طلاب که نقش فعالی در این شورش‌ها بر عهده داشتند. بنابراین، می‌توان چنین فرض کرد که این رهبران، انگیزه‌بخش کل بدنه این طبقه بودند و از ویژگی‌های خاص جامعه مشهد حمایت و حفاظت می‌کردند. (Nouraei, 2000: 95)

در خصوص مجتهدین و علمای مشهد، به‌طورکلی نویسندگان و پژوهشگران، رویکرد این گروه نسبت به مشروطه را به سه دسته تقسیم‌بندی کرده‌اند. بر این اساس، گروه اول علمای نوگرا بودند که با شنیدن اوصافی از مشروطیت به آن متمایل و به دفاع از آن برخاستند و در این راه مردم را به جانب‌داری از آن فراخواندند. یکی از بزرگ‌ترین و معروف‌ترین این علما، میرزا محمد خراسانی معروف به آقازاده و فرزند آخوند خراسانی بود که پیشوای علمای مشروطه‌خواه مشهد محسوب می‌شد. او مجتهدی پیشرو و آغشته به افکار انقلابی بود که در این دوران بحران، از تبریز وارد مشهد شد. در ابتدا، واکنش آرام علما به پیشنهادها و باعث شد که آنان را به دلیل عدم حمایت قاطع از جنبش مشروطه که در تهران و سایر شهرها در حال گسترش بود، به ترس متهم کند. (Nouraei, 2000: 225) گروهی دیگر از علما حکومت مشروطه را مخالف دین دانسته و در برابر آن تمام‌قد ایستادند. نهایتاً گروه سوم افرادی بودند که طرفدار هیچ‌کدام از جریان‌های مشروطه یا مشروعه نبودند. میرزا حبیب‌الله مجتهد در بین علما، مهم‌ترین پیرو این جریان بود. (میرزا صالح، ۱۳۴۶: ۹۵؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵: ۱۳۷-۱۴۶)

در اسناد کنسولی انگلیس نام سیزده نفر از مجتهدین مشهد به همراه مشخصات آنان ذکر شده است. اگرچه اشاره نگردیده کدام یک از مجتهدین مشروطه‌خواه یا مرتجع هستند، اما با یک بررسی کلی می‌توان به این مهم دست یافت. اولین روحانی در این لیست، آقا میرزا حبیب است که یک سید حسینی و پرنفوذترین مجتهد مشهد بوده است. آقا میرزا محمد، روحانی سی و پنج ساله از نوادگان وزیرخان، در زمره طرفداران مشروطه معرفی شده که روحانی بانفوذ و واعظ خوبی بوده است.

با توجه به منابع، بیشتر مجتهدین و علما از نفوذ قابل توجهی برخوردار بودند چراکه توده مردم، تجار و سایر طبقات برای اولاد و وابستگان خاندان پیامبر(ص) احترام ویژه‌ای قائل بودند و همین امر اعتبار فراوانی برای آنان به همراه داشت. در اسناد به زمین‌داری برخی علما اشاره شده است که نشانی از ثروت و دارایی آنان بود و پشتوانه بزرگی برایشان محسوب می‌شد

و در صورت لزوم به آنان امکان اقدامات مؤثر را می‌داد. همچنین باید اشاره کرد که درآمد عمده روحانیون و مجتهدین و طلاب از موقوفاتی به دست می‌آمد که زیر نظر حکومت مرکزی و دربار قاجاری بود که نشانگر وابستگی زیاد آنان به حکومت محسوب می‌شد. اگرچه با توجه به این دلایل، به‌طور قطع نمی‌توان تمام این مجتهدین و علما را مخالف نهضت مشروطه دانست، اما تا حد زیادی دلایل انفعال و مرتجع بودن آنان روشن می‌شود؛ دلایلی که تأثیر مستقیمی در جناح‌بندی‌های انقلاب مشروطه داشت.

آقا میرزا ابراهیم رضوی از مجتهدینی بود که به مخالفت با مشروطه برخاست و از مشروعه‌خواهی حمایت کرد. امثال او که ارتباط تنگاتنگی با حرم مطهر رضوی داشتند بر جریان مشروطه‌خواهی مشهد تأثیر نهادند و مشهد را عملاً تا مدتی منفعل و مرتجع باقی نگه داشتند و مقابل هرگونه تغییر ایستادگی کردند. درواقع، حمایت آنان از تأسیس انجمن ایالتی، فقط برای جلوگیری از حرکات توده مردم بود. کتاب آبی از قول سایکس می‌نویسد: «روحانیونی که بر مشهد فرمانروایی دارند، باطناً از ارتجاعیون می‌باشند و تاکنون هر حمایتی که در تأسیس انجمن ایالتی نموده‌اند، محض طرفداری از تجدد و مشروطه‌خواهی نبوده است، بلکه فقط برای این بوده که بدین تدبیر جلوگیری نمایند از حرکات عامه که قدرت ممانعت آن را نداشته و می‌ترسیدند اگر علناً اقدامی کنند عاقبت تسلط و استقلالشان مضمحل شود». (کتاب آبی، ۱۳۶۳: ۳۴/۱) در این بین تشکیلات حرم مطهر رضوی نیز دست‌کمی از طبقه علما و روحانیون نداشت. این نهاد که از لحاظ سیاسی، اقتصادی و ساختار اداری وابسته به دربار بود، در جناح‌بندی‌های دوره مشروطه، به حمایت از ارتجاعیون برخاست، چراکه خواستار حفظ امتیازات و نفوذ و ثروت خود بود. تشکیلات آستان قدس رضوی نفوذ زیادی در میان مردم به‌ویژه طبقه روحانیت داشت و بسیاری از روحانیون مشهد از آستانه موجب دریافت می‌کردند یا به نحوی با آن در ارتباط بودند. از سوی دیگر بسیاری از مدارس و موقوفات نیز در اختیار آستان قدس رضوی بود و متولیان این مدارس و موقوفات پیرو تشکیلات آستانه بودند. متولی نیز که در رأس این تشکیلات قرار داشت، از سوی شاه انتخاب می‌شد، به همین جهت حافظ منافع دولت و دربار بود و در مقابل هر تغییر و تحولی که حیات این دولت را به خطر می‌انداخت، مقاومت می‌کرد. (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۴۶: ۶۸۰) این تشکیلات و سازمان از موقوفات و وجوه نقد که از سوی زائران به‌عنوان نذر تقدیم حرم مطهر رضوی می‌شد، صاحب ثروت زیادی شده بود. به طوری که در آستانه انقلاب مشروطه، درآمد آستانه به مبلغ چهارصد

هزار تومان می‌رسید. (عین السلطنه، ۱۳۷۴: ۱۷۴۷/۲) از این مبلغ وجوهی نیز عاید متولیان و مسئولین این تشکیلات می‌شد؛ مسئله‌ای که به وضوح در اسناد کنسولی بازتاب یافته است. بر اساس این اسناد، لیست متصدیان و متولیان حرم و شرح وظایف، وابستگی‌ها و درآمد آنان از تشکیلات حرم مطهر رضوی به شرح زیر است. (جدول ۳)

جدول ۳: فهرست متولیان حرم مطهر رضوی، مشخصات و وابستگی‌های آنان (اسناد کنسولی

انگلیس، 18: 111/1906/371FO)

ردیف	نام	عنوان	سن	شرح
۱	سید محمدکاظم	صهر السلطان	۳۵	خادم حرم امام رضا (ع) و یک‌دهم درآمد تمام اموال موقوفه امام را به دست می‌آورد. بنابراین درآمد او بیش از ۲۰۰۰ تومان در ماه است. او پسر امام جمعه تبریز، داماد شاه و مرد کم‌عقلی است و با روس‌ها و انگلیسی‌ها رابطه دوستانه دارد. این تنها مقامی است که از تهران منصوب شده است.
۲	حاج سید حسین عرب	جلال‌التولیه معروف به نایب‌التولیه	۶۰	پسر سید سعید، یکی از اعراب بغداد است. مادرش یکی از دختران فتحعلی‌شاه بود. او با یکی از شاهزاده‌های قاجار ازدواج کرد. سالانه ۱۳۰۰ تومان نقد، ۱۵۰ خروار غلات و ۱۰۰ خروار از موقوفات حرم دریافت می‌کند. دو پسر به نام‌های موجدالتولیه و صاحب‌اختیار دارد. او و پسرانش تریاکی و مست هستند. او دوست انگلیسی‌ها و روس‌ها است.
۳	آقا میرزا محمدعلی	_____	۵۵	پسر حاجی میرزا سید [محمد رضوی] از نوادگان مستقیم امام رضا (ع) و رؤسای سیدان رضوی در مشهد است. او دارای زمینی بزرگ و مالک موقوفات اختصاص یافته به سیدان رضوی است. [موقوفات سادات رضوی] سالی ۷۰۰ تومان نقد و ۱۰۰ خروار غله از حرم دریافت می‌کند و متولی فعلی حرم در همه امور حرم از او مشاوره می‌گیرد. او دوست انگلیسی‌ها است و هیچ تمایلی به روس‌ها ندارد. پسرش، رئیس دفتر حرم است.
۴	حاجی میرزا عبدالحسین	_____	۴۰	پسر حاجی میرزا محمدکاظم و سید رضوی، ناظر یا مباشر حرم است و سالانه ۵۰۰ تومان نقد و ۲۰۰ خروار غله از حرم دریافت می‌کند.

۵	میرزا ابوالقاسم	_____	۳۰	پسر آقابزرگ و متولی کلیه اسناد املاک وقف حرم است. سالانه ۵۰۰ تومان نقد و ۷۵ خروار غله از حرم دریافت می‌کند.
۶	میرزا طاهر	معمدالتولیه	۲۵	پسر حاجی میرزا احمد و حسابدار حرم است.
۷	حاجی میرزا عبدالحسین	رکن‌التولیه معروف به نکیب	۶۵	سید صفوی و اولین سرکشیک (رئیس نگهبان) حرم امام رضا (ع) است. حرم دارای پنج مؤسسه [کشیک منظم] متمایز با حقوق منظم است که هر یک از آن‌ها یک روز در پنج روز خدمت می‌کنند. هر مؤسسه از یک سرکشیک و تعدادی دربان و فراش تشکیل شده است.
۸	شاهزاده هاشم میرزا	معین‌التولیه	۶۰	از اولاد فتحعلی شاه و مسئول داروخانه حرم است.
۹	شاهزاده عبدالرضا میرزا	سراج‌السلطان	۳۰	پسر اکتای خان میرزا و از اولاد فتحعلی شاه است. یکی از دختران اکتای خان میرزا همسر ناصرالدین شاه بود. او مسئول کتابخانه حرم است.
۱۰	حاجی میرزا عبدالله	_____	۵۰	پسر حاجی میرزا طاهر و از بستگان حاجی میرزا حبیب رئیس روحانی مشهد است. او با دختر مرحوم سهام‌الملک متولی حرم ازدواج کرد و منصب موروثی متولی مسجد گوهرشاد واقع در صحن حرم امام رضا (ع) را دارد و متولی تمام موقوفات اختصاص یافته به مسجد و دارای زمینی بزرگ در منطقه مشهد است. او مردی بسیار وارسته و متدین و مورد احترام مردم است.

بر اساس اطلاعات مذکور، برخی از روحانیون، مجتهدین، طبقه حکام و متولیان حرم رضوی، با دولت‌های روس و انگلیس رابطه دوستانه و نزدیک داشتند که همین مسئله وابستگی و عدم استقلال آنان را نشان می‌دهد. همچنین تعدادی از آنان با شاه و درباریان قاجار نسبت خویشاوندی نزدیک داشتند که این امر یکی از دلایل مقاومتشان در برابر مشروطه‌خواهی بود، همچون صهرالسلطان که داماد شاه و متولی آستان قدس رضوی بود و به نوعی در نقش حافظ منافع دربار و سلطنت عمل می‌کرد و در برابر هرآنچه مشروعیت و سلطنت شاه را به خطر می‌انداخت، مقاومت می‌کرد. (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۴۶: ۶۸۰) در واقع هرگونه تغییر در نظام حکومتی قاجاری می‌توانست منافع این گروه را تهدید و یا می‌توانست درآمدهای سرشار آنان

از موقوفات حرم را کاهش یا حتی متوقف سازد. از این رو، آستانه و تشکیلات حرم مطهر رضوی در پی حفظ موقعیت موجود و حفظ نظام سنتی بود. بنابراین جای تعجب نبود که متولیان حرم طی نامه‌ای به شاه، عدم تمایلشان در پیروی از مجلس را بیان داشتند. کتاب آبی در این چنین گزارش داده است: «تمام خدمه آستانه به استثنای یک نفر از آن‌ها که عمل تجدد را در مشهد مروج و مهیج بوده، به شاه نامه نوشتند که مجتهدین و علما و سادات آستانه که همگی اولاد و نایب امام بزرگوارند مایل نیستند که پیروی مجلس شورای ملی یا اطاعت احکام دیگری را جزو اوامر شخص شاه بنمایند و بدین واسطه خود را از هر جهت حاضر خدمات مرجوعه پادشاه نموده، هر اقدامی را که او بر ضد طرفداران مشروطه میل داشته باشد که نموده شود در عهده خواهند گرفت». (کتاب آبی، ۱۳۶۳: ۳۴/۱) همچنین ظاهراً آنان قصد داشتند که با این نامه مانع ورود حاجی شیخ‌الرئیس - از سرکرده‌های تجدد طلب تهران که به عنوان خادم باشی انتخاب شده بود - به تشکیلات آستانه شوند. (همان) از سوی دیگر، فساد اخلاقی و رفتاری برخی از متصدیان حرم مطهر رضوی، موجب سلب کفایت و شایستگی در اداره امور بود. در نتیجه، انتظار اعمال تغییرات مثبت و سازنده‌ای از این گروه وجود نداشت.

تجار

دیگر طبقه مورد اشاره در اسناد کنسولی، تجار هستند. این طبقه در جامعه قاجار از جمله اشخاص امین، محترم و معتمد محسوب می‌شدند که به دلیل مسافرت‌ها، نسبت به دو طبقه پیشین، بیشتر با دستاوردهای تمدنی غرب آشنا بودند. اسناد کنسولی به چند تن از مهم‌ترین تجار اشاره دارد و شرحی پیرامون آن‌ها آورده است. این تجار عبارت‌اند از:

۱. حاج عبدالحسین تهرانی: پسر حاج آقابزرگ و خریدار و صادرکننده تریاک به هند بود. ارزش تخمینی صادرات او ۲۰۰۰۰۰ تومان محاسبه شده است. او خرده کالاهایی را به میزان اندک وارد می‌کرد و با پسرهایش شراکت داشت. سرمایه او از ۴۰۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰ تومان تخمین زده می‌شد.

۲. رئیس‌التجار: آقا رضا رئیس‌التجار، پسر مرحوم حاج عبدالقاسم ملک‌التجار بود. گفته می‌شد که رئیس‌التجار روستاهایی به ارزش ۴۰۰۰۰۰ تومان و با حداقل درآمد سالانه ۲۵۰۰۰ تومان در تصاحب داشت. همچنین او با معاون‌التجار در کار معادن نیشابور شریک بود و ظاهراً اندوخته بزرگی از سنگ‌های نتراشیده و صیقل نیافته داشت. او تمام دارایی خود را در

- روستاها و دیگر املاک سرمایه‌گذاری می‌کرد.
۳. حاجی محمد رضایف: وی با برادرهایش حاجی محمدتقی، حاجی محمدعلی و پسرهایش حاجی میرزا محمود، حاجی میرزا عبدالکاسم شریک بود. او یک شرکت داشت که تجارت ایمن و محتاطانه در زمینه ابریشم، چای، برنج و تجارت فرش در تفلیس را انجام می‌داد. سرمایه برآورده شده او ۵۰۰۰۰ تخمین زده می‌شد.
۴. حاجی عبدالحسین زوار: او با برادرش حاجی محمد اسماعیل زوار شریک بود. در ۱۳۲۱ق. در تبریز، مشهد، تربت، سبزوار املاکی را خریداری کردند. این املاک و سرمایه، بین ۸۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰ تومان برآورد می‌شد.
۵. حاجی میرزا محمد کرباسی-تاجر یزدی: او به صادرات تریاک به بمبئی و واردات چای و چیت چلواری از بمبئی مشغول بود. از زمان اعلام تعرفه‌های جدید، او عملاً از تجارت واردات عقب‌نشینی کرد. او دارای ثروت و مستغلات زیادی همچون یک کاروانسرا در نزدیکی بازار به ارزش ۳۰۰۰۰ تومان بود. همچنین مبلغ ۵۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰۰ تومان نقدینگی داشت.
۶. حاجی محمدکاسم یزدی-رکن‌التجار: او برادر حاجی محمدحسن یزدی، رکن‌التجار مرحوم و شخصی بسیار راستگو و صادق بود. او نماینده کمیسیون تجار یزد بود و واردات چای از هند و صادرات کالا از یزد را بر عهده داشت. او از ملاکان بزرگ و در روستاها املاکی به ارزش ۴۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ تومان داشت. سرمایه نقدی او نیز ۱۰۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ تومان و مجموع ثروتش بین ۵۰۰۰۰ تا ۶۵۰۰۰ تومان تخمین زده می‌شد. او از حمایت بریتانیا برخوردار بود.
۷. حاجی میرزا حسن آفار یزدی: او با دو پسرش آقا محمد آفار و میرزا خلیل آفار شریک بود. قبل از اعلام تعرفه جدید، مقادیر زیادی چای و شال از کشمیر وارد می‌کرد، اما بعد عملاً از تجارت بازنشسته شد. ثروت او ۳۰۰۰۰ تومان نقد، ۱۵۰۰۰ تومان از روستاها و ۶۰۰۰ تومان از ملک خانه ثبت شده بود.
۸. حاجی عبدالقاسم تهرانچی مغازه: او با چهار برادرش (حاجی محمد اسماعیل، حاجی محمد ابراهیم، حاجی مهدی و حاجی احمد) شریک بود. ثروت آنان متشکل از املاک تبریز (سه پنجم بازارهای آباتچی و سه تیمچه به ارزش ۲۵۰۰۰ تومان تا ۳۰۰۰۰ تومان) بود. مغازه‌هایی در تهران داشتند و سایر املاکشان به ارزش ۳۰۰۰۰ تومان تا ۴۰۰۰۰ تومان بود. سرمایه تجاری آنان ۳۰۰۰۰ تومان برآورد می‌شد.
۹. حاجی محمد تاجر درودی: او واردکننده بزرگ شکر و فردی بسیار راستگو بود. در مورد

او گفته می‌شد که دارای املاکی به ارزش ۷۳۰۰۰ تومان و سرمایه‌ای به مبلغ ۴۰۰۰۰ تومان است. این اسناد همچنین از سه بانکدار افغان که باهم برادر بودند یاد کرده‌اند: ۱. حاجی محمدحسن، معاون‌التجار که به تجارت دولتی رسیدگی می‌کرد و نزد مقامات دولتی بانکدار عمومی بود. ۲. حاجی علی‌اکبر معین‌التجار که مراقب و محافظ اموال بود. ۳. حاجی عبدالرحیم که با تجار و بازرگانان مبادلات و تجارت عمومی بانکی را انجام می‌داد. گفته می‌شد که آن‌ها پول نقد به مبلغ ۵۰۰۰۰ تومان، روستاهایی به ارزش ۲۵۰۰۰۰ تومان، ۷ خانه به ارزش ۲۰۰۰۰ تومان و کاروانسراهایی را در اختیار داشتند. (اسناد کنسولی انگلیس،

(111/1906/371FO: 17-16)

بر اساس اطلاعات فوق، تجار معمولاً با فرزندان و برادرانشان در عرصه تجارت شریک بودند. سرمایه شناور آنان زیاد و ملاک و زمین دار روستا بودند که این جریان باعث نفوذ و اهمیت آنان بود. هرچند اسناد کنسولی به وابستگی‌های قومی، اشرافی و سیاسی طبقه تجار پرداخته است، اما به‌طورکلی می‌توان این طبقه را نسبت به دوطبقه پیشین، مطلع‌تر از تحولات جهان و روشنفکرتر دانست. آنان به دلیل مسافرت‌های تجاری بیشتر در جریان افکار آزادی‌خواهانه قرار گرفتند و با روشنفکران افق‌های فکری نزدیکی پیدا کردند. ازجمله تجاری که به عضویت انجمن‌های مشروطه‌خواه در مشهد درآمدند، انجمن سعادت و انجمن ایالتی، بودند. به عنوان نمونه رکن‌التجار به عضویت انجمن ایالتی درآمد. همچنین هنگامی که به دنبال صدور فرمان مشروطه، دستور انتخابات داده شد، از افرادی که در مشهد به عنوان نماینده مجلس راهی تهران شد، حاج رضا مهدوی رئیس‌التجار بود. (جلالی، ۱۳۸۲: ۱۵۷، ۱۶۰) از سوی دیگر، هنگامی که تعداد مشروطه‌خواهان در مشهد افزایش یافت، در ابتدای امر نشست‌های آنان در منزل یکی از بازرگانان برگزار می‌شد و حتی چند نفر از بازرگانان ترک، پشتیبانی مالی این جریان را عهده‌دار شدند.

می‌توان بیان داشت که تجار فراتر از علاقه مستقیم در زمینه تجارت، از نفوذ در امور سیاسی شهر استفاده و درگیر اختلافات سیاسی شدند. گمان می‌رود که آنان به دلیل امنیت و حفاظتی که در زیر پرچم قدرت‌های خارجی در شهر داشتند، توانستند در فعالیت‌های سیاسی شرکت کنند. در ۱۳۲۱ق. معاون‌التجار و رئیس‌التجار که از قدرت قابل‌توجهی در شهر برخوردار بودند، متحد شدند تا جنبشی را علیه فرماندار کل ایجاد کنند، به‌طوری‌که با استعفای نیرالدوله در ۱۳۲۱ق. مبلغ ۱۵۰۰۰۰ تومان به فرماندار کل جدید، رکن‌الدوله، پرداخت

کردند. (اسناد کنسولی انگلیس، 17: 111/1906/371FO) ورود تجار به عرصه سیاست، به آرامی و بدون چالش نبود و به زودی اختلاف نظر میان روحانیون و تجار در جنبش مشروطه آشکار شد. اولین درگیری میان آنان در مجلس محلی رخ داد و بعدها به اختلاف عمیق تر بین آنان منجر شد. در ۲۶ محرم ۱۳۲۵ ق. در این مجلس اتفاق چالش برانگیز و پرتلاطمی رخ داد. در بحثی که روی داد، روحانیون سعی کردند بازرگانان را ساکت کنند، اما بازرگانان در مقابل پاسخ دادند که موارد بسیاری وجود دارد که علما چیزی در مورد آن‌ها نمی‌دانند. در این هنگام یکی از ملاها به شدت پاسخ داد که هیچ چیزی وجود ندارد که رهبران مذهبی مردم به طور کامل صلاحیت رسیدگی به آن را نداشته باشند. پس از این، تعدادی از بازرگانان به دلیل ناراحتی یا اعتراض، اتاق شورا را ترک کردند. (Nouraei, 2000: 256)

نکته قابل توجه دیگر در اسناد کنسولی، سرمایه‌های ملکی تجار است. در واقع، تجار در نیمه دوم قرن نوزدهم، تمایل به خرید زمین و سرمایه‌گذاری در این بخش شدند و قشر تاجر-زمین‌دار به وجود آمد. تمایل بازرگانان به تصاحب املاک، آنان را به مالکان شهر تبدیل کرد. تجار از نظر نقدینگی، زمین‌های کشاورزی، خانه‌ها و روستاها دارای ثروت قابل توجهی بودند که این امر آنان را قادر می‌ساخت که در شهر موقعیت تأثیرگذاری داشته باشند. خرید املاک و مستغلات به تجار اقتدار اجتماعی و نفوذ و ثروت می‌داد و به نحوی آنان را در مقابل حاکمیت سیاسی قرار می‌داد. (Ibid: 97) از این رو، شاید بتوان اشاره کرد که میزان املاک و مستغلات تجار موجب افزایش قدرتشان در مقابل درباریان بود. بنابراین، تمایل آنان به جناح مشروطه‌طلبان برای کاهش قدرت حکومت قاجاری، دور از ذهن نبود. با این حال، برخی از این تجار، تحت نفوذ دولت‌های خارجی و با آنان روابط دوستانه‌ای داشتند، چنانچه سه برادر افغان مذکور، از بزرگ‌ترین صرافان مشهد محسوب می‌شدند و برای مدتی مورد حمایت کنسولگری انگلیس قرار داشتند و از مزایای خاصی برخوردار بودند. (ییت، ۱۳۵۶: ۳۷۹)، اما اعتقاد بر این است که در دوره مورد بحث، تاجران افغان بیشتر طرفدار سیاست روسیه بودند. (Nouraei, 2000: 100)

نتیجه

مشهد در آستانه انقلاب مشروطه متشکل از طبقات حکام، روحانیون، تجار، روشنفکران و توده مردم بود. در گزارش اسناد کنسولی به سه طبقه اشاره شده است که با تجزیه و تحلیل

داده‌های این اسناد، گرایش هریک از طبقات مشهد به سمت ارتجاع یا تجدد مشخص گردید. طبقه حکام و مقامات دولتی شامل فرمانداری کل خراسان، مقامات دولتی و خان‌های مشهد می‌شد. این طبقه به خاطر وابستگی‌های قومی، نسبت‌های خویشاوندی با خانواده سلطنتی و اشراف و ارتباط عمیقی که با دولت‌های روس و انگلیس داشتند، به سمت جناح ضد مشروطه متمایل بودند. از سوی دیگر، برخی از خان‌های مشهد از دولت ایران حقوق دریافت می‌کردند که همین امر، وابستگی آنان را به دربار افزایش می‌داد. از این رو، آنان ناگزیر بودند که برای حفظ منافع، حقوق و قدرت خود، حافظ وضعیت موجود باشند. بنابراین، هرچه در توان داشتند صرف می‌کردند تا از تغییر حکومت جلوگیری شود. طبقه روحانیون شامل علما، مجتهدین و متولیان آستان قدس رضوی می‌شد که عمدتاً در زمره مخالفان مشروطه به شمار می‌آمدند اما در میان آن‌ها گروهی نیز طرفدار مشروطه بوده و فعالیت‌های مؤثری در پیشبرد آن برداشتند. در مورد طبقه تجار و بازرگانان می‌توان بیان داشت که هرچند وابستگی‌ها و روابط آنان مشخص نگردیده، اما به‌طور کلی و با توجه به حضور تجار در بین مشروطه‌خواهان، این طبقه را متمایل به جبهه مشروطه‌خواه بودند. ملاک و زمین‌دار بودن آنان نیز، شرایطی فراهم کرده بود که آنان را در مقابل دربار قاجار قرار می‌داد.

منابع

- احمدی، حمید، و ملیحه خوش‌بین. (۱۳۹۳ش). «مشروطیت در مشهد: زمینه‌ها، فرایندها و سیاست‌های روسیه». تاریخ اسلام و ایران. (شماره ۲۱)، ۳۴-۵.
- بشیری، احمد. (۱۳۶۳ش). کتاب آبی؛ گزارش‌های محرمانه وزارت خارجه انگلیس. ج ۱. تهران: نشر نو.
- جلالی، غلامرضا. (۱۳۸۲ش). «نهضت مشروطه و سرنوشت سه رویکرد سیاسی علمای مشهد». حوزه. (شماره ۱۵۵)، ۲۱۵-۱۴۹.
- جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۵ش). روحانیت و مشروطه. قم: بوستان کتاب.
- عین‌السلطنه، قهرمان میرزا سالور. (۱۳۷۴ش). روزنامه خاطرات عین‌السلطنه. ج ۲. به‌کوشش مسعود سالور و ایرج افشار. تهران: اساطیر.
- کاتوزیان، محمدعلی. (۱۳۷۹ش). مشاهدات و تحلیل اجتماعی و سیاسی از تاریخ مشروطیت ایران. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کسروی، احمد. (۱۳۸۳ش). تاریخ مشروطه ایران. تهران: امیرکبیر.
- گلبن، محمد. (۱۳۸۷ش). «خراسان مهم‌ترین روزنامه خراسان در انقلاب مشروطه». بخارا. (شماره ۶۵)، ۵۹۷-۵۸۸.
- ملک‌زاده، مهدی. (۱۳۸۳ش). تاریخ انقلاب مشروطیت ایران. ج ۱-۳. تهران: سخن.

میرزا صالح، غلامحسین. (۱۳۶۴ش). جنبش کلنل محمدتقی خان پسیان بنا بر گزارش های کنسولگری انگلیس در مشهد. تهران: تاریخ ایران.
ناظم الاسلام کرمانی، محمد. (۱۳۴۶ش). تاریخ بیداری ایرانیان. ج. ۱. به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی. تهران: بنیاد فرهنگ اسلامی.
نجمی، ناصر. (۱۳۷۷ش). محمدعلی شاه و مشروطیت. تهران: زریاب.
ییت، چارلز ادوارد. (۱۳۶۵ش). سفرنامه خراسان و سیستان. ترجمه قدرت الله روشنی زعفرانلو و مهرداد رهبری. تهران: یزدان.
Nouraei, Morteza. (2000). Mashhad between 1890 and 1914 a socio-historical study. University of Manchester, Department of middle eastern studies.

اسناد

کنسولگری انگلیس

111/1906/371 FO.

نشریات

خراسان. (۱۳۲۷ق). سال ۱. شماره ۱.